

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال سوم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۱۰)، زمستان ۱۳۹۰
تاریخ وصول: ۸۹/۶/۲۲
تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۱
صص ۱۱۴-۱۰۳

بررسی محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری محافظه کارانه و غیرمحافظه کارانه

یونس بادآور نهندي*، قدرت‌اله طالب‌نیا**، مرتضی خانلاری***^۱

*استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

**استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

***کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

چکیده:

تحقیق حاضر رابطه بین محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری را بررسی می‌کند. استفاده از درجات بالاتر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت سودها و در مقابل، استفاده از درجات پایین‌تر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت زیان‌ها محافظه‌کاری نامیده می‌شود. همچنین، توانایی عایدات برای تبیین بازده‌های بازار بیانگر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری است. در این مطالعه برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل باسو (۱۹۹۷) و برای اندازه‌گیری محتوای اطلاعاتی از مدل ایستون و هریس (۱۹۹۱) استفاده شده است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و جامعه آماری تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. ۷۶۴ مشاهده از ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت شرکت-سال طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ انتخاب شده است. برای آزمون فرضیات تحقیق از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری و محافظه‌کاری رابطه غیرخطی برقرار است. همچنین، رابطه غیرخطی بین محافظه‌کاری و هزینه سرمایه شرکت یافت شد. **واژه‌های کلیدی:** محتوای اطلاعاتی، عایدات حسابداری، محافظه‌کاری.

مقدمه

کافی مورد توجه واقع شده‌اند" [۸]. در حالی که در بند ۱۸ فصل دوم مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، محافظه‌کاری (احتیاط) به عنوان یک زیرویزگی کیفی برای قابلیت اتکا، این گونه تعریف شده است: "احتیاط عبارت است از کاربرد درجه ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است؛ به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها و بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود" [۴].

در مورد محافظه‌کاری حسابداری، دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. برخی از محققان، محافظه‌کاری را برای استفاده‌کنندگان و تحلیلگران صورت‌های مالی مفید می‌دانند و برای آن نقش اطلاعاتی قائلند. برخی دیگر از محققان آن را به زیان تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قلمداد می‌کنند. به اعتقاد طرفداران دیدگاه اول، محافظه‌کاری باعث افزایش حجم اطلاعات گزارش شده در بازارهای اوراق بهادار و بهبود کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی مدیریت و کاهش منافع حاصل از مدیریت سود می‌شود. به طور کلی، طرفداران رویکرد محافظه‌کاری معتقدند که محافظه‌کاری موجب افزایش محتوای اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود. در مقابل مخالفان رویکرد محافظه‌کاری معتقدند که محافظه‌کاری باعث کاهش کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی اساسی می‌شود و این امر می‌تواند زیان‌های هنگفتی برای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به همراه داشته باشد [۵]. اکنون، با توجه به

اهداف گزارشگری مالی و مبانی حسابداری ایجاب می‌کند، اطلاعاتی که گزارشگری مالی فراهم می‌آورد، از ویژگی‌های معینی برخوردار باشد. یکی از این خصوصیات محافظه‌کاری است که از آن با عنوان احتیاط نیز یاد شده است. محافظه‌کاری از ویژگی‌های بارز گزارشگری مالی است که حداقل از ابتدای قرن بیستم تا کنون، کیفیتی چشمگیر و غالب در عرصه حسابداری و گزارشگری مالی بوده است [۸]. این که آیا محافظه‌کاری ویژگی مطلوب برای صورت‌های مالی است یا خیر، موضوعی دیرینه در ادبیات حسابداری است. از سوی دیگر، اطلاعات حسابداری زمانی دارای محتوای اطلاعاتی است که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی آنها را در ارزیابی‌های خود مربوط و قابل اتکا تشخیص دهند [۱۱].

۲- بیان مسأله

در حسابداری سنتی «محافظه‌کاری» بر اساس پدیده عدم اطمینان قرار گرفته است [۱۰]. از نظر گیولی و هاین^۱، محافظه‌کاری عبارت است از انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان که در نهایت به ارائه کمترین دارایی‌ها و درآمدها بینجامد و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد [۸]. در بیانیه مفاهیم شماره ۲ هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، محافظه‌کاری این گونه تعریف شده است: "نشان دادن واکنش محتاطانه به وجود ابهام به منظور ایجاد اطمینان خاطر از اینکه ابهام و خطرهای احتمالی همراه با آن، در حد

^۱ - Givoly & Hayn

عایدات حسابداری به سطح (استفاده از روش) تعهدی آن کشور بستگی دارد. در کشورهایی با سطح تعهدی بیشتر، محافظه کاری مشروط با محتوای اطلاعاتی رابطه مثبت دارد. نتایج آنها با این موضوع که محافظه کاری مشروط نقش قراردادی مفیدی در کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی دارد، سازگار است. هرچند، نتایج آنها بیانگر این است که مزایای محافظه کاری مشروط محیطی است (بستگی به شرایط دارد) و در کشورهایی با سطح تعهدی پایین تر مزیتی ندارد.

روی چادوری و واتز^۳ [۱۸] رابطه بین عدم تقارن زمانی سود و زیان و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری را به عنوان معیارهای محافظه کاری شرطی و غیرشرطی، بررسی کردند. نتایج تحقیق بیانگر وجود یک رابطه منفی معنی دار بین این دو معیار سنجش محافظه کاری بود. همچنین آنها دریافتند هر چه دوره برآورد معیار عدم تقارن زمانی طولانی تر شود، این رابطه منفی کمتر می شود. آنها نشان داده اند که سطوح بالای محافظه کاری با تداوم زیان های اقلام خاصی ارتباط دارد.

بتی و دیگران^۴ [۱۳] و ژانگ^۵ [۱۹] به شواهدی دست پیدا کردند که اثبات می کرد محافظه کاری نقش موثری در قراردادهای بدهی دارد و محافظه کاری منافع مشترکی برای وام دهندگان و وام گیرندگان به وجود می آورد.

چن، لین و استرانگ^۶ [۱۵] دریافتند که محافظه کاری پیش رویدادی (محافظه کاری نامشروط

دیدگاه های مطروحه در مورد محافظه کاری، این پرسش ها مطرح است: آیا اطلاعات حسابداری محافظه کارانه دارای محتوای اطلاعاتی برای همه استفاده کنندگان است؟ آیا تفاوتی در محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری محافظه کارانه و غیرمحافظه کارانه وجود دارد؟

۳- پیشنهاد تحقیق

۱-۳ تحقیقات خارجی

بلچندران و مهنرام^۱ [۱۲] به بررسی رابطه بین محافظه کاری و محتوای اطلاعاتی پرداختند. آنها محافظه کاری را به صورت جانبداری رو به پایین در ارزش های دفتری و عدم تقارن زمانی عایدات با استفاده از رویکرد بسط داده شده پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) و باسو (۱۹۹۷) اندازه گیری کردند. آنها هیچ شواهدی را مبنی بر ارتباط محافظه کاری صعودی (مشروط یا نامشروط) با محتوای اطلاعاتی نزولی نیافتند. در واقع، آنها شواهدی یافتند که محافظه کاری نامشروط صعودی با سطح بالاتری از محتوای اطلاعاتی ارزش های دفتری مرتبط است. در مجموع، یافته های آنها بیانگر این است که نسبت دادن محتوای اطلاعاتی صعودی به محافظه کاری صعودی در حسابداری معقولانه نیست.

براون، هی و تیتیل^۲ [۱۴] با استفاده از نمونه هایی از شرکت های ۲۰ کشور، بررسی کردند که آیا محافظه کاری مشروط محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری را تحت تاثیر قرار می دهد؟ آنها دریافتند که ارتباط محافظه کاری مشروط با محتوای اطلاعاتی

3- Roychowdhury & Watts

4- Beatty & et al.

5- Zhang

6- Chen, Lin & Strong

1- Balachandran & Mohanram

2- Brown & He & Teitel

دوره برآورد معیار عدم تقارن زمانی سود طولانی‌تر شود، این رابطه نیز قوی‌تر می‌شود.

رضازاده و آزاد [۳] به تبیین رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی با استفاده از اطلاعات مربوط به نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ پرداختند. آنها برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری به ترتیب از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده کردند. نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و سطح محافظه‌کاری اعمال شده در صورت‌های مالی است. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تغییر عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران موجب تغییر در سطح محافظه‌کاری می‌شود.

حساس یگانه و شهریاری [۱] به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر وجود رابطه منفی معنادار میان تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری است. این نتیجه‌گیری مطابق با فرضیات منافع شخصی و اتحاد استراتژیک و ناهماهنگ با فرضیه نظارت فعال است.

بهرامفر و حسنی [۲] به بررسی تاثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر میزان محافظه‌کاری پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها گویای وجود رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت اعضای هیأت مدیره و محافظه‌کاری و نیز رابطه منفی و معنادار بین نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره و محافظه‌کاری است.

مهرانی، حلاج و حسنی [۹] به بررسی محافظه‌کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام

یا ترازنامه) با اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتر و هزینه سرمایه پایین‌تر و محافظه‌کاری پس‌رویدادی (محافظه‌کاری مشروط یا عایدات) با اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین‌تر و هزینه سرمایه بالاتر در ارتباط هستند.

کوسنیدیس، لاداس و نگاکیس^۱ [۱۷] به بررسی محتوای اطلاعاتی عایدات پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان دهنده این است که یک رابطه غیرخطی بین گزارشگری محافظه‌کارانه و میزان مربوط بودن عایدات وجود دارد، به ویژه میزان مربوط بودن با گرایش از شرکت‌های کمتر محافظه‌کار به سمت شرکت‌های نیمه محافظه‌کار افزایش و با گرایش به سمت شرکت‌های بیشتر محافظه‌کار کاهش می‌یابد.

کیم و پوزنر [۱۶] مزایای اطلاعاتی محافظه‌کاری مشروط برای سهامداران را بررسی کردند. نتایج تحقیق بیانگر وجود ارتباط بین محافظه‌کاری مشروط جاری بالاتر با احتمال پایین‌تر اخبار بد آتی است. همچنین، آنها به شواهد ضعیفی از واکنش قوی‌تر (ضعیف‌تر) بازار سهام به اخبار خوب (بد) عایدات شرکت‌های با محافظه‌کاری مشروط دست یافتند.

۲-۳. تحقیقات داخلی

کردستانی و امیریگی لنگرودی [۶] به بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به دفتری سهام (MTB) به عنوان معیار شناخته شده‌ای از محافظه‌کاری پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها بر وجود رابطه‌ای منفی بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت MTB به عنوان دو معیار سنجش محافظه‌کاری دلالت دارد که از نظر آماری معنی‌دار است. هر چه

1-Kousenidis & Ladas & Negakis

۵- روش تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات

از آنجا که تحقیق حاضر اثر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی را بررسی می‌کند، از نوع تحقیق پس-رویدادی (علی-مقایسه‌ای) است. اطلاعات مبانی نظری و تئوریک تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب و مقالات فارسی و لاتین جمع‌آوری شده است و اطلاعات لازم برای آزمون فرضیه تحقیق از منابع مختلفی، از جمله سایت بورس، سایت مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سایت پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران و نرم افزارهای ره آورد نوین و تدبیرپرداز استخراج شد، که پس از انتقال به صفحه گسترده EXCEL پردازش شده است. در ضمن، برای آزمون فرضیه تحقیق، از نرم‌افزار SPSS.17 استفاده شده است.

باسو^۱ (۱۹۹۷)، استفاده از درجات بالاتر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت سودها و اخبار خوشایند (افزایش ارزش) و در مقابل، استفاده از درجات پایین تر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت زیان‌ها و اخبار ناخوشایند (کاهش ارزش) را محافظه‌کاری نامیده است [۸].

در این تحقیق، برای محاسبه میزان محافظه‌کاری و تفکیک شرکت‌ها به شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا (HC)، متوسط (MC) و پایین (LC) از مدل باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است که به شرح زیر است:

$$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{i,t} + \beta_2 Ret_{i,t} + \beta_3 RetDT_{i,t} + \beta_4 EPS_{i,t} + \beta_5 Ret_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

تعهدی پرداختند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این است که سود حسابداری حدود ۳/۶۶ مرتبه نسبت به بازده منفی سهام حساس‌تر از بازده مثبت سهام است و حدود ۷۸ درصد از عدم تقارن زمانی در سود حسابداری توسط اقلام تعهدی توضیح داده می‌شود.

مشایخی، محمدآبادی و حصارزاده [۷] به بررسی رابطه محافظه‌کاری با میزان توزیع سود و پایداری آن پرداختند. یافته‌های آنها با استفاده از داده‌های ۹۸ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۵ نشان می‌دهد که با افزایش محافظه‌کاری توزیع سود سهام کاهش می‌یابد. همچنین، شواهد متقاعدکننده‌ای که حاکی از کاهش پایداری سود همزمان با افزایش محافظه‌کاری، باشد وجود ندارد.

۴- فرضیه تحقیق

الزام به کارگیری رویه‌های محافظه‌کارانه در متن استانداردها، بیش از هر چیز ناشی از توجه به قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی و برخورد محتاطانه با ابهامات محیط اقتصادی پیرامون واحد تجاری است. بحثی که همواره در متون حسابداری مطرح بوده، آن است که آیا توجه به اعمال رویکردهای محافظه‌کارانه با محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی ارتباط دارد؟ برای پاسخ دادن به این سوال و تعیین رابطه محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی فرضیه زیر مطرح شده است:

فرضیه تحقیق: بین میزان محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری ارتباط وجود دارد.

بیانگر مقدار متوسط هزینه سرمایه شرکت‌ها طی دوره زمانی مورد آزمون است.

خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات، مربوط بودن و قابل اتکا بودن است. فرانسیس و شیپر^۱ (۲۰۰۵) محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری را توانایی عایدات برای تبیین بازده‌های بازار تعریف می‌کنند [۱۶].

برای تخمین محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری از مدل ایستون و هریس^۲ (۱۹۹۱) استفاده می‌شود که به شرح زیر است:

$$Re t_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \alpha_3 Re tm_t + \alpha_4 EPSm_t + \alpha_5 \Delta EPSm_t + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن $\Delta EPS_{i,t}$ تغییرات عایدات هر سهم شرکت i بین دو مقطع زمانی $t-1$ و t و $\Delta EPSm_t$ میانگین مقطعی تغییرات عایدات هر سهم است و بقیه متغیرها طبق تعاریف قبلی هستند. مدل ایستون و هریس برای هر یک از پرتفوی‌های محافظه‌کاری به طور جداگانه تخمین زده می‌شوند. ضریب α_1 حاصل از مدل ایستون و هریس برای تمام مشاهدات و هر پرتفوی نشان دهنده محتوای اطلاعاتی آنهاست.

فرانسیس و شیپر (۱۹۹۹) استدلال کردند که محتوای اطلاعاتی عایدات با استفاده از معنی‌داری ارتباط آماری عایدات با بازده تقریب می‌شود که با استفاده از آماره t ضرایب عایدات و تغییر در متغیرهای عایدات و میزان نیکوئی برآزش مرتبط (یعنی R^2 تعدیل شده) اندازه‌گیری می‌شود.

که در آن $EPS_{i,t}$ سود هر سهم شرکت i در سال t ؛

$P_{i,t-1}$ قیمت سهام شرکت i در ابتدای دوره t ؛

$DT_{i,t}$ متغیر موهومی است که اگر بازده شرکت i در سال t منفی باشد، مقدار یک و در غیر این صورت صفر را اختیار می‌کند؛

$Ret_{i,t}$ بازده سهام مرکب سالانه شرکت i در سال t و

$RetDT_{i,t}$ بازده سهام ضرب در DT موهومی مربوط است، (اگر بازده‌ها منفی باشند $RetDT_{i,t} = Ret_{i,t}$ در غیر این صورت صفر).

به دلیل اینکه استفاده از شرکت‌های بیشتر و سال‌های کمتر به وابستگی مقطعی در داده‌ها منجر می‌شود، از متغیرهای $EPSm_t$ و $Retm_t$ که به ترتیب میانگین‌های مقطعی سود هر سهم (EPS) و بازده سهام (Ret) هستند، به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده است.

در مدل محافظه‌کاری با سو فرض بر این است که خبرهای منفی (بازده‌های منفی) سریعتر از خبرهای مثبت (بازده‌های مثبت) در عایدات شناسایی می‌شود. در مدل با سو β_3 ، قدرت تبیینی اضافی بازده‌های منفی نسبت به بازده‌های مثبت برای عایدات را اندازه‌گیری می‌کند و از این رو، به عنوان معیار محافظه‌کاری استفاد می‌شود.

مطابق با تعریف با سو، هر چقدر سطح محافظه‌کاری بیشتر باشد، عدم تقارن در شناخت خبرهای بد در مقابل خبرهای خوب بیشتر خواهد بود. بنابراین، هر چه سطح محافظه‌کاری بیشتر باشد، مقدار ضریب β_3 بیشتر خواهد بود. نهایتاً مطابق مشاهدات پوپ و والکر (۱۹۹۹)، عرض از مبدأ β_0

آنها در تحقیق می‌تواند تاثیر نامطلوب بر نتایج تحقیق داشته باشد.

۳- شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها به سبب ماهیت خاص آنها نباشد.

۴- کلیه داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق برای دوره زمانی تحقیق (از ابتدای سال ۱۳۸۰ لغایت انتهای سال ۱۳۸۷) موجود باشد.

۵- هر یک از شرکت‌های نمونه حداقل دارای چهار مشاهده باشند. این امر به منظور دستیابی به میزان محافظه‌کاری قابل اتکاست.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه نهایی تحقیق شامل ۱۴۵ شرکت با ۷۶۴ شرکت-سال مشاهده تعیین شده است.

۷- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

آمار توصیفی صرفاً به توصیف جامعه می‌پردازد و هدف آن محاسبه پارامترهای جامعه است. در این بخش کمیت‌های آماری متغیرها بر اساس مدل‌های استفاده شده بیان می‌شود. این کمیت‌ها شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کوچکترین و بزرگترین داده و مجموع داده‌هاست.

برای آزمون فرضیه تحقیق ابتدا مدل باسو (۱۹۹۷) برای هر شرکت - سال برآزش می‌شود. سپس با استفاده از ضرایب به دست آمده، شرکت‌های نمونه با توجه به مقدار ضریب β_3 ، به عنوان معیار محافظه‌کاری، به طور جداگانه به سه پرتفوی محافظه‌کاری بالا، متوسط و پایین تقسیم می‌شوند. پس از آن محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری هر یک از پرتفوی‌ها با استفاده از مدل ایستون و هریس (۱۹۹۱) محاسبه شده، سپس آزمون‌های رگرسیون برای مطالعه اثر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری صورت می‌پذیرد.

۶- جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تعیین و نمونه آماری به روش حذفی بر اساس شرایط زیر انتخاب شده است:

۱- دوره مالی شرکت‌ها منتهی به تاریخ ۲۹ اسفند هر سال باشد و طی قلمرو زمانی تحقیق سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

۲- معامله بر روی سهام آن‌ها بیش از ۳ ماه دچار وقفه نشده باشد، زیرا محاسبه متغیرهای مورد مطالعه مرتبط با بازار در مورد شرکت‌های مزبور و استفاده از

نگاره ۱: آمار توصیفی مربوط به متغیرهای استفاده شده در آزمون فرضیه‌ها

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین Mean	میانه Median	انحراف معیار Std.D	حداقل Min	حداکثر Max	مجموع Sum
EPS _{i,t}	۷۶۴	۱۰۴۳	۷۴۱/۵	۱/۰۶	-۲۷۹۹	۹۰۶۷	۷۹۶۶۵۲
P _{i,t-1}	۷۶۴	۸۲۰۸	۵۲۳۶/۵	۱/۰۲	۶۷۱	۸۸۱۰۰	۶۲۷۱۱۶۵
EPS _{i,t} /P _{i,t-1}	۷۶۴	۰/۱۵۸۹	۰/۱۴	۰/۱۷	-۲/۸۲	۰/۸۳	۱۲۱/۴۰
Δ EPS _{i,t} /P _{i,t-1}	۷۶۴	-۰/۳۳۱	-۰/۰۸۲	۰/۲۹	-۵/۸۷	۱/۰۴	-۲۵/۳۲
Ret	۷۶۴	۰/۳۴۴	۰/۱۲۵	۰/۸۳	-۰/۸۲	۶/۵۸	۲۶۲/۸۳

ترتیب برای دو پرتفوی با محافظه‌کاری پایین و بالا و انتخاب ۴۰٪ باقیمانده برای پرتفوی با محافظه‌کاری متوسط صورت پذیرفت. کل نمونه شامل ۱۴۵ شرکت با ۷۶۴ مشاهده است. پرتفوی محافظه‌کاری بالا شامل ۴۳ شرکت با ۲۳۲ مشاهده، پرتفوی محافظه‌کاری متوسط شامل ۵۹ شرکت با ۳۰۹ مشاهده و پرتفوی محافظه‌کاری پایین شامل ۴۳ شرکت با ۲۲۳ مشاهده است. نتیجه برآورد مدل باسو (۱۹۹۷) در نگاره ۲ ارائه شده است.

$EPS_{i,t}$: سود هر سهم، $P_{i,t-1}$: قیمت ابتدای دوره، $EPS_{i,t}/P_{i,t-1}$: نسبت سود هر سهم بر قیمت سهام، $\Delta EPS_{i,t}/P_{i,t-1}$: نسبت تغییرات سود هر سهم بر قیمت سهام، Ret : بازده. با استفاده از مدل باسو میزان محافظه‌کاری (β_3) هر شرکت محاسبه شد و شرکت‌های نمونه مطابق با سطح محافظه‌کاری آنها به سه پرتفوی تقسیم شدند. به پیروی از بلچندران و مهنرام (۲۰۰۶)، گروه‌بندی به صورت انتخاب پایین‌ترین و بالاترین ۳۰٪ به

نگاره ۲: نتایج حاصل از تخمین مدل باسو (۱۹۹۷)

$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{i,t} + \beta_2 Ret_{i,t} + \beta_3 RetDT_{i,t} + \beta_4 EPSm_t + \beta_5 Retm_t + \varepsilon_{i,t}$												
HC			MC			LC			تلفیقی (تجمعی)			متغیرهای توضیحی
P-value	t	β_i	P-value	t	β_i	P-value	t	β_i	P-value	t	β_i	
۰/۰۴	۲/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۲	۲/۲۹	۰/۰۹	۰/۸۲	۰/۲۳	۰/۰۲	۰/۰۴	۲/۰۹	۰/۰۷	(β_0)
۰/۵۶	۰/۵۸	۰/۰۶	۰/۲۹	-۱/۰۷	-۰/۰۸	۰/۰۵	-۱/۹۶	-۰/۱۹	۰/۱۱	-۱/۶۱	-۰/۰۸	$(\beta_1)DT$
۰/۳۲	۰/۹۹	۰/۰۸	۰/۰۰	۶/۳۱	۰/۳۶	۰/۰۰	۳/۲۴	۰/۲۵	۰/۰۰	۵/۹۵	۰/۲۵	$(\beta_2)Ret$
۰/۰۰	۴/۶۲	۰/۴۳	۰/۰۰	۳/۱۰	۱/۲۱	۰/۱۴	-۱/۴۸	-۰/۱۴	۰/۰۲	۲/۳۷	۰/۱۲	$(\beta_3)RetDT$
۰/۰۶	۱/۹۲	۰/۱۷	۰/۰۰	۳/۱۵	۰/۲۳	۰/۱۸	۱/۳۶	۰/۱۳	۰/۰۰	۳/۲۶	۰/۱۷	$(\beta_4)EPSm$
۰/۰۶	-۱/۸۷	-۰/۱۸	۰/۰۰	-۳/۴۱	-۰/۲۵	۰/۴۵	-۰/۷۵	-۰/۰۸	۰/۰۰	-۲/۸۳	-۰/۱۵	$(\beta_5)Retm$
۰/۱۸۷			۰/۳۱۱			۰/۱۱۰			۰/۱۵۱			R^2
۰/۱۶۹			۰/۳۰۰			۰/۰۹۰			۰/۱۴۵			R^2 تعدیل شده
۱/۸۹۲			۱/۷۱۵			۱/۷۹۶			۱/۸۱۳			D-W
۰/۰۰۰	۱۰/۴۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۲۷/۳۸۸	۰/۰۰۰	۵/۳۶۸	۰/۰۰۰	۲۶/۹۳۳	۰/۰۰۰			P-Valve F

نگاره ۳: نتایج حاصل از تخمین مدل ایستون و هریس (۱۹۹۱)

$$Ret_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \alpha_3 Ret_{i,t} + \alpha_4 EPSm_t + \alpha_5 \Delta EPSm_t + \varepsilon_{i,t}$$

HC			MC			LC			تلفیقی (تجمعی)			متغیرهای توضیحی
P-value	t	α_i	P-value	t	α_i	P-value	t	α_i	P-value	t	α_i	
۰/۶۰	-۰/۵۳		۰/۳۵	-۰/۹۳		۰/۶۰	۰/۵۲		۰/۴۹	-۰/۶۹		(α_0)
۰/۰۰	۴/۱۰	۰/۲۹	۰/۰۰	۶/۵۸	۰/۳۶	۰/۰۰	۴/۲۴	۰/۴۲	۰/۰۰	۸/۴۰	۰/۳۳	EPS/P (α_1)
۰/۳۶	-۰/۹۳	-۰/۰۶	۰/۰۰	۳/۸۴	۰/۳۱	۰/۰۴	-۲/۱۱	-۰/۲۱	۰/۴۹	-۰/۶۹	-۰/۰۳	$\Delta EPS/P$ (α_2)
۰/۰۰	۳/۲۵	۰/۳۱	۰/۰۰	۳/۸۸	۰/۲۸	۰/۰۰	۴/۲۳	۰/۴۰	۰/۰۰	۶/۱۰	۰/۳۱	(α_3)Retm
۰/۶۹	-۰/۴۰	-۰/۰۴	۰/۵۴	-۰/۶۱	-۰/۰۵	۰/۲۰	-۱/۲۹	-۰/۱۲	۰/۴۲	-۰/۸۲	-۰/۰۴	(α_4)EPSm
۰/۸۴	-۰/۲۱	-۰/۰۱	۰/۵۳	-۰/۶۲	-۰/۰۳	۰/۹۶	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۸۱	-۰/۲۴	-۰/۰۱	(α_5) $\Delta EPSm$
۰/۱۵۶			۰/۳۳۳			۰/۱۹۶			۰/۱۹۴			R ²
۰/۱۳۸			۰/۳۲۲			۰/۱۷۸			۰/۱۸۹			R ² تعدیل شده
۲/۱۱۹			۲/۰۱۸			۱/۸۶۲			۱/۹۷۰			D-W
۰/۰۰۰	۸/۳۸۱		۰/۰۰۰	۳۰/۲۴۸		۰/۰۰۰	۱۰/۵۹۶		۰/۰۰۰	۳۶/۴۶۷		P-Value
												F

(۸/۴۰) متغیر عایدات قدرت تبیینی بالاتری برای بازده‌ها دارد؛ بدین معنی که در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری بین نسبت $\frac{E}{P}$ و بازده (Ret) وجود دارد.

درباره ارتباط محافظه‌کاری با محتوای اطلاعاتی عایدات، با توجه به نتایج تخمین مدل ایستون و هریس در نگاره ۳، از آنجا که P-Value آماره t برای ضریب α_1 از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است (P-Value=۰/۰۰۰) و میزان محتوای اطلاعاتی با حرکت از پرتفوی محافظه‌کاری پایین (LC) به سمت پرتفوی محافظه‌کاری متوسط (MC) افزایش و با حرکت به سمت پرتفوی محافظه‌کاری بالا (HC) کاهش می‌یابد، می‌توان نتیجه گرفت که یک رابطه غیرخطی بین میزان محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری وجود دارد. بنابراین، فرضیه وجود ارتباط بین میزان محافظه‌کاری به روش باسو و محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری در سطح

برای آزمون فرضیه تحقیق، مدل‌های رگرسیونی برای کل نمونه تحقیق و هر یک از پرتفوی‌های محافظه‌کاری به کار برده شده است. همان‌طور که در نگاره ۲ مشاهده می‌شود، P-value = ۰/۰۰۰ آماره F معنی‌داری کل رگرسیون و فرض خطی بودن مدل را در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می‌کند. همچنین، آماره دوربین-واتسون برای تمام مشاهدات و هر یک از پرتفوی‌ها بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد که مبین عدم خودهمبستگی است. ضریب β_3 (۰/۱۲) در نگاره ۲ بیانگر وجود محافظه‌کاری در سیستم حسابداری و گزارشگری ایران است. با توجه به ضرایب -۰/۱۴، ۰/۲۱ و ۰/۴۳ به ترتیب برای هر یک از پرتفوی‌های محافظه‌کاری پایین، متوسط و بالا مشاهده می‌شود که مقدار β_3 با حرکت از پرتفوی با محافظه‌کاری پایین (LC) به طرف پرتفوی با محافظه‌کاری بالا (HC) افزایش می‌یابد.

در ارتباط با محتوای اطلاعاتی عایدات در نگاره ۳، با توجه به ضریب $\alpha_1=۰/۳۳$ و آماره t مرتبط

ایستون و هریس (۱۹۹۱) محاسبه شد. نتایج آزمون فرضیه تحقیق بیانگر وجود یک رابطه غیرخطی است؛ بدین معنی که محتوای اطلاعاتی با حرکت از پرتفوی محافظه‌کاری پایین به سمت پرتفوی محافظه‌کاری متوسط افزایش و با حرکت به سمت پرتفوی محافظه‌کاری بالا کاهش می‌یابد. این نتیجه مطابق با مطالعات بلچندرام و مهنرام [۱۲] و کوسنیدیس، لاداس و نگاکیس [۱۶] است. همچنین، نتایج بیانگر تحریف رابطه عایدات-بازده در صورت به کارگیری بیشتر و کمتر از حد محافظه‌کاری است. هرچند که رابطه عایدات-بازده در صورت به کارگیری بیشتر از حد محافظه‌کاری، بیش از به کارگیری کمتر از حد محافظه‌کاری تحریف می‌شود. علاوه بر این، نتایج حاصل بیانگر وجود یک رابطه غیرخطی بین محافظه‌کاری و هزینه سرمایه است.

۹- پیشنهادهای حاصل از تحقیق

نتایج آزمون فرضیه تحقیق، بیانگر این است که به کارگیری بیش از حد محافظه‌کاری رابطه عایدات بازده را بیش از به کارگیری کمتر از حد یا عدم به کارگیری آن تحریف می‌کند، از این رو، پیشنهاد می‌شود که در تدوین استانداردهای حسابداری رویکرد واقع بینانه به جای رویکرد خوش بینانه و بدبینانه اتخاذ شود.

به سازمان بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس میزان محافظه‌کاری آنها رتبه‌بندی شوند. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی محتوای اطلاعاتی گزارشگری مالی برای تصمیمات

اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده، بیانگر این است که پرتفوی محافظه‌کاری متوسط ($R^2=0/322$) از هر دو پرتفوی محافظه‌کاری پایین ($R^2=0/178$) و بالا ($R^2=0/138$) بهتر عمل می‌کند. پرتفوی محافظه‌کاری پایین (LC) ضریب تعیین تعدیل شده بیشتری از پرتفوی محافظه‌کاری بالا (HC) نشان می‌دهد که بیانگر این است که به کارگیری بیش از حد محافظه‌کاری رابطه عایدات-بازده را بیش از به کارگیری کمتر از حد یا عدم به کارگیری آن تحریف می‌کند.

در نهایت، مطابق مشاهدات پوپ و والکر (۱۹۹۹)، ضریب β_0 در مدل باسو، بیانگر هزینه سرمایه شرکت‌ها در طی دوره زمانی آزمون است. با توجه به نگاره ۱ آماره t ضریب β_0 با حرکت از پرتفوی با محافظه‌کاری پایین (LC) به طرف پرتفوی محافظه‌کاری متوسط (MC) افزایش و با حرکت به طرف پرتفوی محافظه‌کاری بالا (HC) کاهش می‌یابد. با در نظر گرفتن $P\text{-Value}=0/000$ مربوط به آماره t ضریب β_0 هر یک از پرتفوی‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه غیر خطی بین میزان محافظه‌کاری و هزینه سرمایه (β_0) وجود دارد.

۸- نتیجه‌گیری

در این تحقیق، تجزیه و تحلیل جامعی از تاثیر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ صورت پذیرفت. محافظه‌کاری با استفاده از مدل باسو (۱۹۹۷) و محتوای اطلاعاتی به روش

۳. مدل استفاده شده برای تشخیص محافظه کاری برگرفته از بازارهای سرمایه کشورهای دیگر است که ممکن است به کارگیری آنها در بازار سرمایه ایران با توجه به میزان بازده و تفاوت در سطح الزامات افشای نتایج و الگوهای متفاوتی را طلب نماید و تشخیص محافظه کاری و میزان آن دچار تغییرات اساسی گردد.

منابع:

- ۱- حساس یگانه، یحیی و شهریاری، علیرضا. (۱۳۷۹). «بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره دوم، صص ۹۴-۷۷
- ۲- حسنی، عباس. (۱۳۸۸). رابطه ترکیب هیئت مدیره و درصد مالکیت مدیران غیرموظف هیئت مدیره با محافظه کاری حسابداری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- ۳- رضازاده، جواد و آزاد، عبدالله. (۱۳۸۷). «رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی»، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، صص ۶۳-۸۰.
- ۴- سازمان حسابرسی. (۱۳۸۶). استانداردهای حسابداری، کمیته فنی، ش ۱۶۰.
- ۵- شورورزی، محمدرضا و برزگر خاندوزی، عابدین. (۱۳۸۸). «نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه کاری»، حسابدار، سال بیست و چهارم، ش ۲۱۰، صص ۵۶-۶۳.
- ۶- کردستانی، غلامرضا و امیر بیگی لنگرودی، حبیب. (۱۳۸۷). «محافظه کاری در گزارشگری مالی:

سرمایه گذاری، سطح محافظه کاری مربوط به شرکت ها را در کنار سایر اطلاعات مدنظر قرار دهند. به مدیران پیشنهاد می شود در گزارشگری مالی به طور کلی و گزارش اطلاعات مربوط به عایدات به طور خاص، از اتخاذ رویکردهای محافظه کارانه بیشتر و کمتر از حد اجتناب و در جهت افزایش محتوای اطلاعاتی گزارشگری مالی رویکردی متعادل را به کار گیرند.

۱۰- پیشنهادها برای تحقیقات آتی

با توجه به ادبیات و پیشینه تحقیق مرتبط با محافظه کاری پیشنهاد می شود موضوع های زیر برای تحقیقات آتی مدنظر قرار گیرد:

- ۱- بررسی رابطه بین میزان محافظه کاری با سایر ویژگی های کیفی، از جمله به موقع بودن و شفافیت اطلاعاتی؛
- ۲- بررسی رابطه بین محافظه کاری و قرارداد بدهی و هزینه نمایندگی؛
- ۳- بررسی رابطه بین محافظه کاری با حق الزحمه های حسابرسی.

۱۱- محدودیت های تحقیق

۱. با توجه به شرایط متغیرهای تحقیق امکان انجام تحقیق، بر روی تمام شرکت ها میسر نبود، لذا این امر به کاهش تعداد نمونه تحقیق منجر شد.
۲. در اکثر مدل های محافظه کاری، دستیابی به میزان دقیق محافظه کاری، مستلزم انتخاب نمونه هایی با تعداد مشاهدات بالاست که در انجام این تحقیق میسر نبود.

- 12- Balachandran, S. V., & Mohanram, P. S., 2006, Conservatism and the Value Relevance of Accounting Information: Unpublished Working Paper, Columbia University.
- 13- Beatty, A., Weber, J., Yu, J., 2007. Conservatism and Debt. *Journal of Accounting and Economics*, forthcoming.
- 14- Brown, Jr. W. D., He, H., Teitel, K., 2006, Conditional Conservatism and the Value Relevance of Accounting Earnings: An International Study: *European Accounting Review*, 15:4, 605-621.
- 15- Chan, A. L.-C. & Lin, S. W.J. & Strong, N., 2009, Accounting conservatism and the cost of equity capital: on line, <http://www.ssrn.com>.
- 16- Kim, B. H. & Pevzner, M., Conditional accounting conservatism and future negative surprises. *Journal of Accounting and Public Policy*, 27, 115-132, 2010.
- 17- Kousenidis, D. V., Ladas, A. C., Negakis, C. I., 2009, Value relevance of conservative and non-conservative accounting information. *Journal of Accounting*, 44, 219-238.
- 18- Roychowdhury, S. & Watts, R. L., Asymmetric timeliness of earnings, market-to-market and conservatism in financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 44(1), 2-32, 2007.
- 19- Zhang, J., 2008, The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers. *Journal of Accounting and Economics*, 45, 27-54.
- بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، ش ۵۲، صص ۸۹-۱۰۶
- ۷- مشایخی، بیتا و محمدآبادی، مهدی و حصارزاده، رضا. (۱۳۸۸). «تاثیر محافظه‌کاری حسابداری بر پایداری و توزیع سود»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، ش ۵۶، صص ۱۰۷-۱۲۴.
- ۸- مهرانی، ساسان و محمدآبادی، مهدی. (۱۳۸۸). «روش‌های اندازه‌گیری محافظه‌کاری»، حسابدار، سال بیست و سوم، ش ۲۰۶، صص ۵۸-۶۳
- ۹- مهرانی، کاوه و حلاج، محمد و حسینی، عباس. (۱۳۸۸). «بررسی محافظه‌کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران»، تحقیقات حسابداری، ش سوم، صص ۸۸-۱۰۷
- ۱۰- هندریکسن، الدون اس. و ون‌بردا، مایکل اف. (۱۹۹۲). تئوری‌های حسابداری، علی پارسائیان. تهران: ترمه.
- 11- Barth, M.E., Beaver, W.H., Landsman, W., 2001a. The relevance of value relevance research. *Journal of Accounting and Economics* 31,77-104.